



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

<http://dx.doi.org/10.22067/PG.2025.89998.1312>



پژوهشی

تأثیرات ژئوپلیتیکی و اجتماعی سیاسی محور مقاومت در خاورمیانه

مهدی احمدی (دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)

mahdi1403ah@gmail.com

علی بیژنی (استاد گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)

bijani35o@yahoo.com

حسین مجتبی زاده (استادیار گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)

hmojtabazade47m@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی تأثیرات ژئوپلیتیکی و اجتماعی - سیاسی محور مقاومت در منطقه خاورمیانه می‌پردازد. متن مقاله تمرکز ویژه‌ای بر تحلیل نقش بازیگران اصلی این محور، از جمله ایران، حزب الله لبنان، و گروه‌های مقاومت در سوریه، عراق و فلسطین دارد. هدف اصلی تحقیق بررسی عوامل تأثیرگذار بر گسترش نفوذ محور مقاومت و پیامدهای آن برای موازنه قدرت در منطقه است. روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است. سوال اصلی این است که محور مقاومت چه تأثیراتی بر پویایی‌های ژئوپلیتیکی و اجتماعی - سیاسی خاورمیانه گذاشته و چگونه موازنه قوا را در این منطقه تغییر داده است؟ یافته‌ها نشان می‌دهند که محور مقاومت توانسته ضمن مقابله با نفوذ استراتژیک قدرت‌های خارجی در خاورمیانه، انسجام بیشتری میان بازیگران منطقه‌ای ایجاد کند. همچنین، این محور عامل تغییر معادلات سیاسی و نظامی در برخی کشورها بوده و در برانگیختن مقاومت بومی علیه نیروهای فرامنطقه‌ای نقش مؤثری ایفا کرده است. نتایج مطالعه نیز حاکی از آن است که محور مقاومت نه تنها در تقویت هویت و امنیت مشترک میان اعضای خود موفق بوده، بلکه توانسته به کاهش وابستگی کشورهای عضو به قدرت‌های بزرگ جهانی نیز کمک کند. این نتایج نشانگر پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی جدیدی هستند که خاورمیانه با آن روبروست.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، تأثیرات اجتماعی، تأثیرات سیاسی، محور مقاومت، خاورمیانه

۱. مقدمه

خاورمیانه به عنوان یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین مناطق جهان، همواره کانون رقابت‌های ژئوپلیتیکی و اجتماعی - سیاسی بوده است. در این میان، محور مقاومت به عنوان یک جریان سیاسی - امنیتی و ایدئولوژیک، نقش مهمی در شکل‌دهی به تحولات منطقه‌ای ایفا کرده است. محور مقاومت، متشکل از

کشورها و گروه‌هایی همچون ایران، سوریه، حزب‌الله لبنان، جنبش‌های مقاومت فلسطینی (مانند حماس و جهاد اسلامی)، و گروه‌های همسو در عراق و یمن، به عنوان یک نیروی استراتژیک در برابر نفوذ غرب، اسرائیل و متحدان منطقه‌ای آنها عمل کرده است. این محور، علاوه بر مبارزه با اشغالگری و سلطه‌گری، به دنبال بازتعریف نظم منطقه‌ای و تأمین منافع کشورهای همسو با خود است. تأثیرات محور مقاومت در خاورمیانه را می‌توان از دو منظر ژئوپلیتیکی و اجتماعی-سیاسی بررسی کرد. از منظر ژئوپلیتیکی، این محور توانسته توازن قدرت در منطقه را تغییر دهد، معادلات امنیتی را دگرگون کند، و نقش مهمی در جنگ‌های نیابتی و تقابل‌های منطقه‌ای ایفا نماید. از منظر اجتماعی-سیاسی، محور مقاومت با بهره‌گیری از گفتمان مقاومت و عدالت‌خواهی، بر افکار عمومی، هویت‌های ملی و مذهبی، و تحولات اجتماعی کشورهای منطقه تأثیر گذاشته است (Shapouri, 2022: 31). ظهور و گسترش محور مقاومت، علاوه بر دستاوردهای قابل توجه، چالش‌هایی جدی را نیز به دنبال داشته است. فشارهای اقتصادی، تحریم‌های بین‌المللی، اختلافات داخلی میان بازیگران این محور، و واکنش‌های فرقه‌ای و مذهبی در منطقه، از جمله مواردی هستند که پایداری و اثربخشی محور مقاومت را با چالش مواجه کرده‌اند (Klyb, 2023: 13). در این مقاله، تلاش می‌شود تا ضمن بررسی ابعاد مختلف تأثیرات محور مقاومت، به این پرسش‌های کلیدی پاسخ داده شود:

- چگونه محور مقاومت توانسته معادلات ژئوپلیتیکی خاورمیانه را تغییر دهد؟
- تأثیرات اجتماعی و سیاسی این محور بر جوامع منطقه چیست؟
- چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی محور مقاومت در آینده چیست؟

مطالعه این موضوع می‌تواند به درک بهتر از دینامیک‌های قدرت در خاورمیانه، نقش بازیگران منطقه‌ای و فراملی، و چگونگی تعامل میان نیروهای مقاومت و قدرت‌های جهانی کمک کند. تأثیرات محور مقاومت نه تنها در ابعاد امنیتی و سیاسی، بلکه در شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه نیز قابل مشاهده است و به همین دلیل، تحلیل این پدیده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲. روش تحقیق

مقاله حاضر از مباحث بنیادی و نظری در حوزه گفتمان محور مقاومت است که نتایج و پیامدهای عملی و عینی به همراه خواهد داشت. بر این مبنا روش کار توصیفی - تحلیلی است بدین معنا که ابتدا به توصیف ژئوپلیتیک محور مقاومت پرداخته و سپس به تأثیرات ژئوپلیتیکی و اجتماعی سیاسی محور مقاومت در خاورمیانه پرداخته خواهد شد؛ روش گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

۳. چارچوب نظری (رنالیسم تهاجمی؛ سازه انگاری)

چارچوب نظری محور مقاومت را می‌توان از دو منظر مهم و تاثیرگذار، یعنی رئالیسم تهاجمی و سازه‌انگاری، تحلیل کرد که هر یک ابعاد متفاوتی از این مفهوم را روشن می‌سازند.

۳-۱- رئالیسم تهاجمی^۱

رئالیسم تهاجمی، یکی از شاخه‌های برجسته نظریه‌های روابط بین‌الملل است که توسط جان مرشایمر مطرح شده و بر اهمیت تلاش دولت‌ها برای حداکثرسازی قدرت نسبی خود در محیط آنارشیک بین‌المللی تأکید دارد. بر اساس این ایده، دولت‌ها نه تنها به دنبال تضمین امنیت خود هستند، بلکه از طریق راهبردهای تهاجمی، برای تقویت جایگاه و کاهش آسیب‌پذیری‌شان در برابر رقبا تلاش می‌کنند (Gilli, 2021: 42). در این میان، محور مقاومت نمونه‌ای از به‌کارگیری مکانیسم‌های مشخص در این چارچوب است که به‌طور خاص بر بازدارندگی غیرمتمعارف متمرکز هستند:

- بازدارندگی غیرمتمعارف^۲: یکی از راهبردهای کلیدی محور مقاومت توسعه توانایی‌های نامتقارن مانند موشک‌های بالستیک، پهپادها و بهره‌گیری از نیروهای نیابتی است. هدف اصلی این روش، مقابله با برتری نظامی دشمنان از طریق ایجاد هزینه‌های سنگین برای آنان است. به‌عنوان نمونه، برنامه موشکی ایران در برابر تهدیدات خارجی نقشی پررنگ داشته و ابزاری مؤثر در افزایش هزینه‌های تهاجم به تأسیسات کلیدی مانند زیرساخت‌های هسته‌ای محسوب می‌شود.

- به‌کارگیری نیروهای نیابتی^۳: بهره‌گیری از گروه‌های شبه‌نظامی وابسته مانند حزب‌الله لبنان یا حشدالشعبی عراق، یکی دیگر از ابزارهای مؤثر محور مقاومت به شمار می‌رود. این گروه‌ها نه تنها باعث گسترش نفوذ منطقه‌ای می‌شوند، بلکه بدون نیاز به مشارکت مستقیم در جنگ‌های کلاسیک، هزینه‌های مداخله برای رقبا را افزایش می‌دهند. نقش حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه علیه اسرائیل نمونه‌ای بارز از موفقیت این رویکرد است (Aghababaii, 2019: 52).

- تعادل تهدیدها^۴: محور مقاومت همچنین با ایجاد ائتلاف‌های تاکتیکی میان بازیگران همسو مانند ایران، سوریه و حزب‌الله تلاش کرده است تا توازن قوا را در برابر هژمونی منطقه‌ای یا فرمانطقه‌ای رقبایی مانند عربستان سعودی یا ایالات متحده برقرار کند. این ائتلاف‌های استراتژیک نقش مهمی در حفظ پایداری محور مقاومت و افزایش نفوذ آن داشته‌اند.

^۱ -Offensive Realism

^۲ -Unconventional Deterrence

^۳ -Proxy Forces

^۴ -Balancing Against Threats

در مجموع، رئالیسم تهاجمی در چارچوب محور مقاومت نشان می‌دهد که دولت‌ها و بازیگران مرتبط چگونه با استفاده از مکانیسم‌های بازدارندگی غیرمتعارف، نیروهای نیابتی و اتحادهای تاکتیکی، نه تنها امنیت خود را تضمین می‌کنند، بلکه نفوذ استراتژیک خود را نیز گسترش می‌دهند.

۲. سازه انگاری^۱

سازه انگاری بر این باور استوار است که ایدئولوژی، هنجارها و روایت‌سازی در تعیین رفتار دولت‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند (Arefi, 2016: 11). در چارچوب محور مقاومت، این نظریه به تبیین این موضوع می‌پردازد که چگونه گفتمان مقاومت به عنوان یک ابزار هویتی قادر است همبستگی داخلی و همگرایی منطقه‌ای را تقویت کند. از میان مکانیسم‌های کلیدی که محور مقاومت را تعریف می‌کنند، سه مورد برجسته‌اند:

- ساخت هویت جمعی: محور مقاومت از طریق تعریف «خود» در مقابل «دیگری»، زمینه‌ساز ایجاد حس تعلق مشترک میان اعضا می‌شود. این رویکرد در تقابل با مفاهیمی مانند غرب‌گرایی و استکبارستیزی به خلق هویت مشترک کمک می‌کند. به عنوان نمونه، گفتمان «ام‌القزایی» در سیاست داخلی ایران نه تنها مقاومت را به عنوان یک استراتژی سیاسی تلقی می‌کند، بلکه آن را وظیفه‌ای دینی و اخلاقی می‌داند که حس تعلق به این محور را تقویت می‌کند.

- گفتمان مقاومت به عنوان ابزار مشروعیت‌بخشی: این محور با استفاده از روایت‌های تاریخی، مثل انقلاب اسلامی ایران و مسئله فلسطین، به اقدامات امنیتی خود مشروعیت می‌بخشد و زمینه بسیج مردمی را فراهم می‌کند (Pourmohammadi, 2024: 18). یکی از نمونه‌های برجسته این مکانیسم، سالگرد شهادت سردار سلیمانی است که به عنوان نماد ایستادگی در برابر تروریسم و سلطه‌طلبی آمریکا مطرح می‌شود.

- شبکه‌سازی منطقه‌ای بر اساس ایدئولوژی: محور مقاومت از نهادها و کنفرانس‌های بین‌المللی مانند کنفرانس مقاومت در تهران بهره می‌برد تا گفتمان خود را فراتر از مرزهای جغرافیایی ترویج دهد و آن را در سطح جهانی تثبیت کند. این تلاش‌ها به ایجاد همکاری‌های منطقه‌ای بر محور ایدئولوژیک منجر می‌شود. در مجموع، نظریه سازه انگاری بستر مناسبی برای تحلیل عملکرد محور مقاومت فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که این محور چگونه از ابزارهای مختلف برای ایجاد انسجام و ترویج روایت‌های خود بهره می‌گیرد.

۳. یافته های تحقیق

محور مقاومت، به عنوان یک بازیگر کلیدی در خاورمیانه، نقشی اساسی در دگرگون‌سازی معادلات ژئوپلیتیکی این منطقه ایفا کرده است؛ از مهم‌ترین ابزارهای محور مقاومت، ایجاد موازنه قدرت در برابر بازیگران جهانی

¹ -Constructivism

مانند ایالات متحده و رژیم صهیونیستی بوده است. این جریان با تقویت توانمندی‌های نظامی و راهبردی خود، در راستای مدیریت بحران‌ها و جلوگیری از تغییر ساختارهای منطقه‌ای به سود بازیگران خارجی، گام برداشته است. از سوی دیگر، محور مقاومت موفق شده است با استفاده از دیپلماسی، حمایت‌های مردمی و ایجاد شبکه‌ای فراگیر از متحدین منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، پایه‌های قدرت خود را مستحکم‌تر کند.

تغییر معادلات ژئوپلیتیکی منطقه نیز تحت تأثیر چند عامل کلیدی بوده است. نخست، ایجاد ساختارهای بازدارنده در برابر حملات نظامی خارجی که این محور با کمک نیروهای مقاومت منطقه‌ای به طرز مؤثری دنبال کرده است. دوم، تقویت گفتمان ضد استعماری و مبارزه با هژمونی غرب که توانسته در میان ملت‌های منطقه احساس هویت و استقلال بیشتری ایجاد کند. و سوم، توسعه مدل‌های جدید همکاری‌های فراملی میان گروه‌های مقاومت که به یکپارچگی بیشتر اقدامات آنها منجر شده است.

۳-۱- ژئوپلیتیک محور مقاومت در خاورمیانه

ژئوپلیتیک محور مقاومت در خاورمیانه، موضوعی است که با پیچیدگی‌های خاص سیاسی، نظامی و اجتماعی این منطقه در هم تنیده شده است. محور مقاومت به‌عنوان یک جریان ایدئولوژیک و استراتژیک، از بازیگران دولتی و غیردولتی تشکیل شده که هدف مشترک آنها مقابله با نفوذ قدرت‌های خارجی و تقویت استقلال سیاسی کشورهای منطقه است (Sheikh al-Islami, 2023: 59). این محور، با تأکید بر ارزش‌هایی مانند عدالت خواهی، مقاومت در برابر اشغالگری و پشتیبانی از هویت اسلامی- ملی، نقشی کلیدی در تحول معادلات قدرت در خاورمیانه ایفا کرده است (Nekoonaal, 2020: 22). موقعیت جغرافیایی متمایز منطقه، که شامل گذرگاه‌های حیاتی انرژی و میدان‌های نفتی بزرگ است، اهمیت ویژه‌ای به ژئوپلیتیک مقاومت می‌بخشد. علاوه بر این، اثرگذاری این محور بر سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، تعاملات و درگیری‌های پیچیده‌ای را در عرصه دیپلماسی جهانی ایجاد کرده است.

نقش محور مقاومت را نمی‌توان صرفاً در چارچوب تقابل نظامی یا ایدئولوژیک بررسی کرد. این جریان همچنین به‌واسطه شبکه‌های ارتباطی و همکاری گسترده بین اعضای خود، به‌عنوان عاملی برای همگرایی سیاسی و اجتماعی در برابر تهدیدات مشترک شناخته می‌شود. بنابراین، درک درست از ژئوپلیتیک محور مقاومت مستلزم بررسی دقیق دینامیک‌های داخلی و خارجی منطقه خاورمیانه است که پاسخگوی نیازهای امنیتی و توسعه‌ای اعضای این محور باشد. محور مقاومت متشکل از مجموعه‌ای از بازیگران منطقه‌ای است که یک ایدئولوژی مشترک با محوریت مقاومت در برابر اشغالگران و مقابله با استکبار جهانی را دنبال می‌کنند. این شبکه ارتباطی گسترده، که اعضای اصلی آن در نقاط مختلف خاورمیانه حضور دارند، به اشکال

مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی فعالیت می‌کند و اهداف مشترکی را پیش می‌برد. (Kamrava, 2023: 82)

هسته اصلی محور مقاومت ایران است؛ کشوری که با به کارگیری ابزارهای دیپلماتیک، نظامی - همچون نیروی قدس سپاه پاسداران - و اقتصادی، همچون حمایت از گروه‌های شیعی، نقش رهبری این شبکه را بر عهده دارد:

- حزب الله لبنان نیز به عنوان قدرتمندترین گروه شبه‌نظامی غیردولتی منطقه شناخته می‌شود. این سازمان توانایی موشکی پیشرفته‌ای دارد و نفوذ زیادی در ساختار سیاسی لبنان اعمال می‌کند.
- در فلسطین، گروه‌هایی مانند حماس و جهاد اسلامی تمرکز خود را بر مقابله مستقیم با اسرائیل قرار داده‌اند، فعالیت‌های این گروه‌ها بیشتر بر نوار غزه و کرانه باختری متمرکز است.
- یکی دیگر از اجزای تأثیرگذار این محور شیعیان عراق، از جمله نیروهای الحشد الشعبی هستند که نقش اساسی در مقابله با داعش ایفا کرده‌اند و بر سیاست داخلی عراق نیز تأثیر قابل توجهی دارند.
- در یمن، جنبش انصارالله یا همان حوثی‌ها، کنترل بخش‌هایی از این کشور را در اختیار دارند، آن‌ها تهدید مهمی برای مسیرهای دریایی حیاتی مانند دریای سرخ محسوب می‌شوند و بخش مهمی از اهداف محور مقاومت را رقم می‌زنند.

این شبکه پیچیده بازیگران، ضمن دنبال کردن اهداف سیاسی - نظامی مشترک، بر مبنای اتحاد ایدئولوژیک خود تلاش می‌کند تا شکل‌دهنده معادلات جدیدی در منطقه باشد.

۳-۲- تأثیرات اجتماعی محور مقاومت

الف: تقویت هویت فراملی شیعه: تقویت هویت فراملی شیعه در سال‌های اخیر با محوریت گفتمان «مقاومت در برابر ظلم» به یکی از عوامل مؤثر در انسجام جوامع شیعی در سطح بین‌الملل تبدیل شده است. این گفتمان به‌ویژه پس از انقلاب ایران، چارچوبی برای تقویت ارتباطات فراملی میان شیعیان فراهم کرده است (Jazayeri, 2024: 63). نمونه بارز این پدیده را می‌توان در رفتار حزب‌الله لبنان مشاهده کرد که با الهام از انقلاب اسلامی ایران، خود را نه تنها حامی شیعیان لبنان، بلکه مدافع آرمان فلسطین نیز معرفی نموده است. چنین رویکردی باعث افزایش حس همبستگی میان شیعیان و شکل‌گیری نوعی هویت مشترک فراملی در کشورهای مختلف شده است. با این حال، این فرایند نتایج ناخواسته‌ای نیز به همراه داشته است. تقویت هویت فراملی شیعه در برخی موارد موجب تشدید اختلافات مذهبی میان جوامع شیعه و سنی شده و در بحران‌هایی مانند سوریه و یمن، به بروز تنش‌های جدی میان این دو گروه مذهبی انجامیده است.

(Akraminia, 2024: 72). این مسئله نشان‌دهنده آن است که هرچند گفتمان مقاومت توانسته همگرایی میان جوامع شیعی را تقویت کند، اما در عین حال ممکن است زمینه‌ساز تقابل در سطح منطقه‌ای باشد.

ب: تغییر نقش زنان و جوانان: گروه‌های وابسته به محور مقاومت، از جمله حزب‌الله و بسیج مردمی عراق، در سال‌های اخیر با به‌کارگیری زنان و جوانان در نقش‌هایی غیرسستی، نظیر فعالیت‌های تبلیغاتی، آموزش‌های ایدئولوژیک، و حتی برخی مشارکت‌های محدود نظامی، در حال ایجاد تغییراتی در ساختارهای اجتماعی سستی هستند. این اقدام‌ها به نوعی با شکستن قالب‌های سنتی، جایگاه زنان و جوانان را در این جوامع دگرگون کرده‌اند؛ با این وجود، این تغییرات غالباً در چارچوب ایدئولوژی مذهبی محافظه‌کارانه انجام می‌شوند. این چارچوب، اگرچه باعث شکل‌گیری نقش‌های جدید می‌شود، اما همچنان محدودیت‌هایی برای نقد بنیادهای مردسالارانه موجود ایجاد کرده و امکان تحول عمیق‌تر در ساختارهای اجتماعی را کاهش می‌دهد.

ج: گسترش خدمات اجتماعی موازی: سازمان‌های مرتبط با محور مقاومت، نظیر مؤسسات خیریه حزب‌الله در لبنان و بنیادهای ایرانی فعال در عراق، از طریق ارائه خدمات مختلف در حوزه‌هایی همچون بهداشت، آموزش، و کمک‌های معیشتی، موفق شده‌اند جایگاه اجتماعی خود را در میان جوامع محروم و آسیب‌پذیر تقویت کنند. این اقدامات خصوصاً در مناطقی که دولت‌ها از نظر ساختاری ضعیف بوده یا درگیر فساد سیستماتیک هستند، بیش از پیش جلوه یافته است؛ نمونه‌هایی بارز از چنین شرایطی را می‌توان در کشورهای نظیر لبنان و یمن مشاهده کرد. با این حال، برخی انتقادهای ناظر بر این است که این نوع خدمات اجتماعی گاهی به ابزارهایی برای جذب نیروهای تازه‌نفس و همچنین انتشار و ترویج ایدئولوژی‌های خاص تبدیل می‌شود. از این منظر، دغدغه‌های مطرح‌شده نشان‌دهنده ماهیت دوگانه چنین فعالیت‌هایی است که هم می‌تواند باعث ارتقای سطح رفاه عمومی شود و هم امکان بهره‌برداری سیاسی یا ایدئولوژیک را فراهم کند.

۳-۳- تأثیرات سیاسی محور مقاومت

الف: تضعیف حاکمیت دولت‌ها: در سال‌های اخیر، حضور و فعالیت گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به محور مقاومت در منطقه خاورمیانه، تأثیرات عمیقی بر مناسبات سیاسی و ساختارهای حکومتی کشورهای مختلف به‌جا گذاشته است (Saouli, 2024: 67). این گروه‌ها که از حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و ایدئولوژیک برخی از بازیگران منطقه‌ای بهره می‌برند، توانسته‌اند نقش‌های قابل‌توجهی در عرصه‌های نظامی و حتی سیاسی ایفا کنند. با این حال، رشد و تقویت این گروه‌ها چالش‌های عمده‌ای برای نظم دولت-محور در این کشورها ایجاد کرده است، به‌ویژه در آنجا که دولت‌ها به‌عنوان تنها صاحبان مشروعیت در اعمال قدرت قهریه شناخته می‌شوند (Ostovar, 2022: 38). نمونه روشن این تحولات را می‌توان در عراق و لبنان مشاهده

کرد. در عراق، گروهی مانند حشد الشعبی علاوه بر ایفای نقشی محوری در نبرد با داعش، به یکی از قدرتمندترین بازیگران داخلی تبدیل شده است که نفوذ آن نه تنها در عرصه نظامی بلکه در سیاست و اقتصاد کاملاً مشهود است. این گروه که از ابتدای تأسیس خود حمایت‌های قابل توجهی از سوی ایران دریافت کرده است، اکنون بازوی اصلی محور مقاومت در عراق به شمار می‌رود. نفوذ حشد الشعبی در عراق به گونه‌ای است که در بعضی مواقع، این گروه قادر بوده سیاست‌ها و تصمیمات دولت مرکزی را به چالش بکشد یا تحت تأثیر قرار دهد.

در لبنان، نقش حزب‌الله نشان‌دهنده ابعاد دیگری از این معادله پیچیده است. حزب‌الله نه تنها قدرتمندترین نیروی نظامی این کشور محسوب می‌شود که توان آن از ارتش ملی لبنان فراتر می‌رود، بلکه تأثیر فراوانی بر سیاست داخلی لبنان نیز دارد. این گروه که تاریخچه طولانی در مواجهه با اسرائیل دارد، با گذشت سال‌ها به یک بازیگر چندبعدی بدل شده است: از یک طرف یک نیروی نظامی قدرتمند و از طرف دیگر یک بازیگر سیاسی که در ساختار دولت لبنان نفوذ عمیقی پیدا کرده است. تأثیر حزب‌الله بر تصمیمات دولت مرکزی لبنان چنان گسترده است که می‌توان گفت برخی نهادهای رسمی کشور عملاً بدون هماهنگی یا رضایت این گروه نمی‌توانند اقدام مؤثری انجام دهند (Safataj, 2020: 41-42). پدیده شکل‌گیری این گروه‌ها و نقش آن‌ها در تضعیف اقتدار دولت‌های مرکزی، پدیده‌ای نگران‌کننده است؛ چرا که عملاً باعث ایجاد نوعی «دولت موازی» می‌شود. دولتی که وفاداری آن نه به پایتخت ملی بلکه بیشتر به خارج از مرزها یا محورهای ایدئولوژیک خاص است. این امر نه تنها منجر به کاهش انسجام ملی می‌شود بلکه مخاطرات جدی برای ثبات و امنیت داخلی این کشورها به همراه دارد. از سوی دیگر، ایجاد چنین ساختارهایی اغلب بر اساس الگوهای فرامیلتی صورت می‌گیرد، به طوری که ارتباطات ایدئولوژیک این گروه‌ها با محور مقاومت اولویت را بر منافع ملی کشورهای میزبان مقدم می‌سازد. نتیجه آن است که برخی دولت‌های منطقه بیش از پیش شاهد تقسیم قدرت غیررسمی میان نهادهای رسمی و گروه‌هایی می‌شوند که مسئولیت‌پذیری یا شفافیتی در قبال شهروندان ندارند. بنابراین، تقویت چنین گروه‌هایی و پذیرش آن‌ها به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از نظم داخلی هر کشور می‌تواند پیامدهای سنگینی برای حاکمیت سنتی دولت‌ها به دنبال داشته باشد. در میان این پیامدها، شاید برجسته‌ترین آن کاهش مشروعیت دولت مرکزی نزد مردم و نیز ایجاد شکاف‌ها و واگرایی‌های بیشتر در سطح جامعه باشد.

ب: بازتعریف مفهوم امنیت ملی: محور مقاومت، تحولی بنیادین در تعریف و فهم مقوله امنیت ایجاد کرده است. نگاه این گفتمان به امنیت، برخلاف دیدگاه‌های سنتی کشورهای عربی که اغلب امنیت را در قالب مرزهای ملی و جغرافیایی تحلیل می‌کنند، گسترده‌تر و فراگیرتر است. این نگاه امنیت را از سطح ملی فراتر

برده و آن را به عنوان یک مفهوم مشترک میان جوامع شیعه تعریف می‌کند. بنابراین، «امنیت مشترک شیعیان» به عنوان یک مفهوم راهبردی در اولویت قرار گرفته است (Smith, 2022: 60). این رویکرد نوظهور، نه تنها معادلات کلاسیک امنیتی در منطقه را دستخوش تغییر کرده، بلکه واکنش‌های جدی از سوی ائتلاف‌های ضد محور مقاومت، به ویژه بلوک عربی-اسرائیلی را نیز به همراه داشته است. چنین ائتلاف‌هایی که از مدت‌ها قبل به دنبال مقابله با نفوذ ایران در منطقه بوده‌اند، در برابر این تغییر در تعریف امنیت، حساسیت بیشتری نشان داده‌اند و تلاش خود را برای کاهش نقش محور مقاومت در فضای منطقه‌ای افزایش داده‌اند. این تحول در اندیشه امنیتی، حامل پیام‌های گسترده‌ای برای معادلات قدرت در خاورمیانه است. ناهمخوانی این تعریف جدید با نظم سنتی منطقه‌ای، چالش‌های متعددی برای بازیگران اصلی منطقه ایجاد کرده و آنها را به بازنگری در راهبردها و سیاست‌های خود واداشته است (Smith, 2022: 61). در نتیجه، مفهوم «امنیت مشترک شیعیان» نه تنها نشان‌دهنده یک تحول فکری و عملی در رویکرد محور مقاومت است، بلکه تأثیرات ژرفی بر توازن قدرت و نوع روابط میان بازیگران منطقه‌ای و جهانی به جا گذاشته است.

ج: تأثیر بر جنبش‌های مردمی: محور مقاومت به عنوان یکی از جریان‌های مهم در منطقه، تلاش‌های خود را بر حمایت از جنبش‌های ضداسرائیلی، نظیر انتفاضه‌های فلسطینی، متمرکز کرده است. این رویکرد نشان‌دهنده تعهد و استراتژی این محور برای مقابله با اسرائیل و حمایت از اهداف فلسطینی‌هاست. با این حال، رویکرد محور مقاومت در مواجهه با جنبش‌های اعتراضی مردمی که ماهیت غیرمذهبی، مستقل یا حتی ضدحکومتی دارند، متفاوت بوده و در مواردی شاهد سرکوب یا کم‌اهمیت جلوه دادن چنین اعتراض‌هایی بوده‌ایم (Arizi, 2016: 83). نمونه‌هایی از این جریان‌ها شامل اعتراضات مردمی در عراق و لبنان در سال ۲۰۱۹ است که عمدتاً برخاسته از نارضایتی‌های اجتماعی و اقتصادی بوده‌اند و ارتباط مستقیم با مسائل مذهبی یا ملی‌گرایی نداشته‌اند. این دوگانگی در رفتار محور مقاومت، ارتباط مستقیمی با برداشت سیاسی آن از اعتراضات و اولویت‌های استراتژیک دارد. حمایت از انتفاضه‌های فلسطینی به عنوان نماد مقاومت در برابر اسرائیل به تثبیت هویت و گفتمان محور مقاومت کمک می‌کند، اما عدم حمایت از جنبش‌های مردمی داخلی در کشورهای منطقه می‌تواند ناشی از نگرانی درباره تضعیف نظم سیاسی موجود یا تهدید به تغییر ساختارهای قدرت باشد. همین مسئله باعث شده بخش‌هایی از جامعه که پیش‌تر خود را با گفتمان مقاومت هم‌سو می‌دانستند، اعتمادشان را نسبت به اهداف و انگیزه‌های محور مقاومت تا حدی از دست بدهند.

۴. چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی محور مقاومت در آینده

۴-۱- چالش‌ها

چالش‌های پیش‌روی محور مقاومت، به‌عنوان یکی از پرتنش‌ترین موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی، زمینه‌ساز پیچیدگی‌ها و تهدیدهای متعدد برای بازیگران این محور شده است. این چالش‌ها در ابعاد مختلف اقتصادی، نظامی، سیاسی و ژئوپلیتیکی ظهور پیدا کرده و شرایط را برای پیشبرد اهداف محور مقاومت دشوارتر کرده‌اند:

در حوزه فشارهای اقتصادی، ایران به‌عنوان رکن مرکزی محور مقاومت، با یکی از شدیدترین تحریم‌ها در تاریخ معاصر خود مواجه شده است. این تحریم‌ها علاوه بر کاهش قابل توجه درآمدهای نفتی کشور، موجب افزایش تورم، بی‌ثباتی ارزی و محدود شدن توان مالی دولت برای حمایت از متحدان منطقه‌ای شده‌اند (Torghabeh, 2018: 92). حزب‌الله لبنان نیز به دلیل بحران اقتصادی گسترده‌ای که از سال ۲۰۱۹ تاکنون لبنان را تحت تأثیر خود قرار داده، با مشکلات مشابه روبه‌رو است؛ از جمله کاهش منابع مالی و رشد بی‌ثباتی داخلی که توان عملیاتی این گروه را تحت شعاع قرار داده است. این شرایط اقتصادی به‌طور کلی فشار مضاعفی بر محور مقاومت وارد کرده و کارآمدی آن را در مقابله با رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کاهش داده است.

در سطح نظامی و امنیتی، تقابل مستقیم با ائتلاف غربی-عربی-صهیونیستی، چالش‌های بسیاری را ایجاد کرده است. توافقنامه‌های روابط کشورهای عربی با اسرائیل، مانند توافقنامه ابراهیم، یکی از مهم‌ترین تحولات اخیر بوده که موجب تقویت همکاری‌های امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس شده است. این همکاری‌ها، محور مقاومت را با یک تهدید جدی امنیتی روبه‌رو کرده و عملیات و مانورهای نظامی آن را در منطقه دشوارتر ساخته است. افزون بر این، حضور نظامی گسترده آمریکا در پایگاه‌های عراق و سوریه و گسترش همکاری‌های دفاعی میان کشورهای عربی و اسرائیل، توازن قدرت در منطقه را تغییر داده و پیچیدگی‌های بیشتری را به معادلات محور مقاومت اضافه کرده است.

در عراق، که یکی از مهم‌ترین عرصه‌های نفوذ محور مقاومت محسوب می‌شود، تنش‌های داخلی ناشی از اختلافات فرقه‌ای بین شیعیان و اهل سنت و همچنین افزایش نارضایتی‌های مردمی نسبت به فعالیت گروه‌های شبه‌نظامی نزدیک به ایران، چالش‌های زیادی برای ثبات نیروهای مقاومت ایجاد کرده است. در یمن نیز، گرچه حوثی‌ها توانسته‌اند بخش وسیعی از کشور را تحت کنترل خود درآورند، اما جنگ فرسایشی با ائتلاف سعودی-اماراتی به همراه بحران انسانی گسترده، منابع و ظرفیت‌های آنها را به‌شدت تحلیل برده است (Yaghoubzadeh, 2020: 72). یکی دیگر از چالش‌های عمده محور مقاومت، مسئله هسته‌ای ایران و نتایج احتمالی آن است. توسعه برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران تا سطح ۶۰ درصد که در سال ۲۰۲۳ اعلام شد، ضمن ایجاد نگرانی‌های شدید امنیتی برای اسرائیل، احتمال وقوع درگیری نظامی مستقیم یا مداخله

خارجی از سوی دیگر قدرت‌های جهانی را افزایش داده است. تصویب احتمالی توافق هسته‌ای جدید یا تشدید تحریم‌ها تحت دولت‌های آمریکا می‌تواند به معنای تغییر مسیر ایران در این زمینه باشد که اثرات آن بر محور مقاومت غیرقابل چشم‌پوشی خواهد بود.

تغییرات ژئوپلیتیکی نیز بخش دیگری از فضای این چالش‌ها را تشکیل می‌دهد. هرچند بهبود روابط ایران با عربستان سعودی با میانجیگری چین در سال ۲۰۲۳ تا حدی از شدت تنش‌ها کاسته، اما رقابت پنهان میان این دو قدرت منطقه‌ای بر سر نفوذ سیاسی و امنیتی در مناطق حساسی مانند عراق، یمن و سوریه ادامه دارد. علاوه بر این، نقش فزاینده ترکیه در شمال سوریه و لیبی به‌عنوان یک رقیب منطقه‌ای جدید برای محور مقاومت مطرح شده که معادلات قدرت را پیچیده‌تر کرده و نیازمند راهبردهای کارآمد برای مقابله با این نفوذ رو به گسترش است.

۴-۲- فرصت‌ها

فرصت‌های پیش‌روی محور مقاومت، به عنوان یکی از جریان‌های تأثیرگذار در سطح منطقه‌ای و جهانی، طی سال‌های اخیر تحت تأثیر تغییرات ژئوپلیتیکی و رخداد‌های مهمی قرار گرفته که شرایط و امکانات جدیدی را برای گسترش نقش و نفوذ این محور فراهم کرده است. در این راستا، بهره‌گیری از گفتمان ضدصهیونیستی و ضداستعماری، به ویژه با تمرکز بر مسئله فلسطین، توانسته به شکل قابل توجهی حمایت‌های مردمی در میان جوامع عربی و اسلامی را جلب کند. شکست پروژه «معامله قرن» که توسط ایالات متحده و اسرائیل طراحی شده بود، همراه با تداوم شهرک‌سازی‌های غیرقانونی اسرائیل، به افزایش مشروعیت و مقبولیت این گفتمان کمک کرده است. این عناصر نشان‌دهنده قدرت محور مقاومت در تبدیل مسئله فلسطین به یک نماد اوج‌گرفته از مبارزه با ظلم و استعمار هستند.

در کنار بهره‌برداری از گفتمان سیاسی، همکاری‌های راهبردی محور مقاومت با قدرت‌های جهانی غیرغربی، نظیر روسیه و چین نیز ابعاد گسترده‌ای از فرصت‌های اقتصادی و امنیتی را رقم زده است. تقویت روابط ایران با روسیه، مانند همکاری‌های مشترک در بحران سوریه و فروش پهپادهایی که سبب افزایش توان نظامی شده، همچنین توافق ۲۵ ساله ایران با چین در حوزه‌های تجاری، صنعتی و امنیتی، نه تنها ضریب نفوذ محور مقاومت را افزایش داده بلکه تا حد زیادی فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها را خنثی کرده است. نقش واسطه‌ای روسیه در تسهیل فروش نفت ایران تحت شرایط تحریم، نمونه‌ای برجسته از این نوع تعاملات است که توانسته بهره‌وری اقتصادی محور مقاومت را در برابر فشارهای واشنگتن و متحدانش بهبود بخشد.

محور مقاومت همچنین از ابزارهای جنگ نیابتی و قدرت نرم استفاده مؤثر کرده است. شبکه گسترده‌ای از گروه‌های نیابتی، شامل احزابی همچون حزب‌الله لبنان، کتائب حزب‌الله عراق و جنبش انصارالله یمن، بستر

مناسبی برای پیشبرد اهداف بدون ورود مستقیم به میدان نبرد فراهم آورده‌اند. این گروه‌ها قابلیت هزینه‌سازی مستقیم بر رقبا را دارند، در حالی که محور مقاومت منابع کمتری صرف می‌کند. از سوی دیگر، نفوذ رسانه‌ای قدرتمند محور مقاومت از طریق پلتفرم‌هایی مانند شبکه‌های می‌آدین و تلگرام، به ابزاری مؤثر برای شکل‌دهی افکار عمومی تبدیل شده که پیام‌های ضدغربی و حمایتی از مقاومت را به صورت مستقیم در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد (Shapouri, 2022: 101). یکی دیگر از زمینه‌های مهم توانمندسازی محور مقاومت، ضعف ساختاری دولت‌های عربی متحد غرب است. ناکامی‌هایی همچون مشکلات عربستان در اجرای پروژه مدرنیزاسیون اقتصادی نظیر نئوم و وابستگی مداوم این کشورها به درآمدهای نفتی، انتقادهایی گسترده نسبت به مدل توسعه غربی-عربی را برانگیخته است. علاوه بر این، بی‌ثباتی سیاسی-اجتماعی در کشورهای مختلف همچون پاکستان باعث شده که اندیشه‌ها و گفتمان‌های محور مقاومت در منطقه بیش از پیش جذابیت پیدا کنند و به عنوان جایگزینی معتبر مطرح شوند.

در نهایت، پیشرفت‌های فناوری نظامی در ایران نقش کلیدی دیگری در تقویت محور مقاومت ایفا کرده است. توسعه موشک‌های بالستیک دوربرد و پهپادهای پیشرفته نظیر مدل شاهد ۱۳۶، امکانات راهبردی جدیدی برای ایجاد تهدید علیه اهداف کلیدی دشمنان فراهم آورده است. این توانایی‌ها سبب شده که محور مقاومت قابلیت انجام حملات دقیق به تأسیسات راهبردی همچون زیرساخت‌های نفتی عربستان یا پایگاه‌های نظامی اسرائیل را داشته باشد. افزون بر این، جنگ سایبری به عنوان یکی دیگر از اهرم‌های کم‌هزینه ولی مؤثر محور مقاومت مطرح است؛ نمونه‌هایی همچون هک وزارت دفاع اسرائیل در سال ۲۰۲۴ گویای ظرفیت بالای این ابزارها برای اختلال‌آفرینی در ساختارهای دشمن بوده است.

۵. نتیجه‌گیری

محور مقاومت به عنوان یکی از جریان‌های تأثیرگذار در خاورمیانه توانسته است معادلات ژئوپلیتیکی این منطقه را به طور قابل توجهی تغییر دهد. این محور، با تکیه بر ساختارهای بومی، مبانی ایدئولوژیک، و حمایت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، نقش مهمی در شکل‌دهی به نظم سیاسی و امنیتی جدید ایفا کرده است. تأثیرات ژئوپلیتیکی محور مقاومت در خاورمیانه شامل کاهش نفوذ قدرت‌های خارجی، تقویت استقلال سیاسی کشورها، عضو محور، و ایجاد نوعی همگرایی استراتژیک میان نیروهای ضد دخالت خارجی بوده است.

در بعد اجتماعی و سیاسی، محور مقاومت توانسته است هویت مشترکی میان برخی جوامع منطقه ایجاد کند. این هویت مبتنی بر مقاومت در برابر سلطه‌جویی و سیاست‌های استعماری بوده و موجب تحرکاتی اجتماعی و سیاسی در راستای تقویت خودآگاهی جمعی شده است. در نتیجه، به بسیاری از گروه‌های مردمی قدرت

داده تا به طرح مطالبات خود پردازند و نقش فعال‌تری در شکل‌دهی به آینده منطقه ایفا کنند. با این حال، این تحرکات اجتماعی گاه با چالش‌هایی مانند افزایش قطب‌بندی‌ها یا تنش‌های داخلی همراه بوده‌اند. اما محور مقاومت در آینده با چالش‌ها و فرصت‌های مهمی روبه‌رو خواهد بود. از چالش‌های اساسی می‌توان به فشارهای بین‌المللی، تهدیدهای امنیتی فزاینده، و لزوم مدیریت اختلافات داخلی میان اعضای محور اشاره کرد. همچنین، تغییرات سریع ژئوپلیتیکی جهانی می‌تواند پویایی‌های منطقه‌ای را دستخوش تغییر کند. از سوی دیگر، فرصت‌های پیش رو شامل احیای روندهای همکاری منطقه‌ای، تقویت جبهه مقاومت با جذب بازیگران جدید، و بهره‌برداری از تحولاتی مانند کاهش وابستگی جهانی به قدرت‌های سنتی خواهد بود. در مجموع، محور مقاومت با وجود فشارها و پیچیدگی‌های مختلف، نقشی برجسته در تغییرات سیاسی، اجتماعی، و ژئوپلیتیکی خاورمیانه ایفا کرده است و توانایی آن برای مدیریت چالش‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌ها می‌تواند سرنوشت آینده منطقه را به شکل چشم‌گیری تحت تأثیر قرار دهد.

کتابنامه

1. Aghababaii, Keyvan (2019), The Impacts of Iraq's Hashd al-Shaabi on Iran's Strategic Policies, Tehran: Negar and Nima. [in Persian].
2. Akraminia, Mohammad (2024), Understanding the Islamic Republic of Iran's Security Environment in Confrontation with the West, Tehran: Political-Ideological Organization of AJA. [in Persian].
3. Arefi, Raheb (2016), A Study of Constructivist Theory in Alexander Wendt's Perspective on International Relations, Tehran: Rashidin. [in Persian].
4. Arizi, Seyyed Morteza (2016), Iran, Resistance Groups, and National Security, Qom: Society for the Defense of the Palestinian Nation. [in Persian].
5. Gilli, Andrea (2021), National Security in the New World Order: The Rise of Asymmetric Threats, London: Routledge.
6. Jazayeri, Masoud (2024), War +2: America's Proxy War Against Iran, Tehran: Soro. [in Persian].
7. Klyb, Sami (2023), The Syrian War Through Classified Documents, translated by Mohammad Reziji, Tehran: Iran. [in Persian].
8. Kamrava, Mehran (2023), Networks of Influence: Iran and Militant Groups in Iraq, London: Hurst Publishers.
9. Nekoonal, Fatemeh (2020), The Axis of Resistance (From Conceptualization to its Connection with Iran's Regional and International Security), Tehran: Abrar Moaser. [in Persian].
10. Ostovar, Afshon (2022), The Axis of Resistance: From Regional Network to Global Ambitions, London: Oxford University Press.

11. Pourmohammadi, Mona (2024), The Strategic Role of Iran in Resolving the Crises in Syria and Yemen, Tehran: Manaqeb .[in Persian].
12. Shapouri, Mehdi (2022), The Axis of Resistance, Tehran: Center for Strategic Studies . [in Persian] .
13. Safataj, Majid (2020), Proxy War, Tehran: Afagh Roshan Bidari .[in Persian].
14. Sheikh al-Islami, Mohammad (2023), Public Diplomacy of the Axis of Resistance in West Asia, Tehran: Ministry of Foreign Affairs .[in Persian].
15. Saouli, Adham (2024), Axis of Resistance: Beyond State and Non-State Actors, London: Stanford University Press.
16. Smith, Anna Marie (2022), Ideology and the New Social Movements, London: Cambridge University Press.
17. Torghabeh, Mehdi (2018), Legal Essentials of the U.S. Sanctions System; Iran Sanctions, Tehran: Legal Studies .[in Persian].
18. Yaghoubzadeh, Hadi (2020), Iran, Lebanon, Gaza, Qom: Soore Mehr .[in Persian].